خراسان روزنامه صبح ایران
شنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۶ . ۲۹ صفر ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۶۸۶

اسماعیلی: بعد از انقلاب در عرصه «شعر نبوی» کم‌فروشی کرده‌ایم!

مهر- رضا اسماعیلی شاعر و منتقد ادبی به مناسبت فرا رسیدن ایام ۲۸ صفر رحلت پیامبر اکرم(ص) و شهادت امام حسن(ع) در یادداشتی نوشت: اگر بگوییم «شعر نبوی» در مقایسه با دیگر زیر شاخه های شعر آیینی، در سال های بعد از انقلاب جثه ای نحیف تر داشته، اغراق نکرده ایم و در این عرصه کم فروشی کرده ایم.

«سید حمید برقعی» در گفت‌وگو با خراسان:

هیئت؛ خاستگاه مضامین ناب نهفته در تاریکی

سید حمید رضا برقعی از شاعران جوانی است که شعرهای خوب آیینی زیادی از او منتشر شده است. او تاکنون هشت کتاب شعر آیینی منتشر کرده است که مجموعه اشعار آیینی «توفان واژه ها»ی وی با استقبال زیادی مواجه شد. برقعی یک بار هم به عنوان شاعر مردمی جشنواره شعر فجر انتخاب شده است. با او درباره خودش و شعر آیینی صحبت کرده‌ایم که در ادامه می خوانید.

از کی شعر می‌گویید؟

حدوداً ۱۵-۱۶ سالم بود. ولی آن شعرها آن طور که باید جدی نبود. پدر بزرگم شاعر بود. اما آشنایی من با شعر از دوره راهنمایی شروع شد. وقتی که کتاب سهراب سپهری و فروغ فرخزاد را در دست خواهرم دیدم کنجکاو شدم که آن‌ها را بخوانم؛ و البته از وقتی که یادم می‌آید قیصر امین‌پور را هم همیشه دوست داشته‌ام.

اولین شعری که سرودید یادتان هست؟

شاید الان آن را از نظر فنی قبول نداشته باشم. اما می‌توانم یکی از اولین شعرهای دوره رسمی کارم را برایتان بخوانم.

از مرز ابرهای بهاری عبور کرد
چشمی که ردپای شما را مرور کرد
تنها به شوق لمس شما، ابر بی‌امان
یک شهر را به وسعت باران نمور کرد
روزی هزار مرتبه تقویم ناامید
تاریخ روز آمدنت را مرور کرد
تأثیر یک غروب غم‌انگیز جمعه بود
مضمون این غزل که به ذهنم خطور کرد
اصلاً خیال روی شما سال‌های سال
دیوان شاعران جهان را قطور کرد...

چی شد که شعر برایتان جدی شد؟

یادم می‌آید که یکی از رفقایم می گفت: شاعر کلاسیک همه دغدغه اش در زندگی شعر است اما امروزه شعر اگر برای تفریح گفته شود موفق می شود. من هم حدود چهار سال است که شعر بهترین و دوست داشتنی ترین تفریحم شده است. ولی شروع اصلی کارم از هیئت بود. برای نوحه و سرود مداح‌ها شعر می گفتم. به همین بهانه بود که بیشتر به شعر پرداختم. مطالعه‌ام بیشتر شد و در جلسات شعر متعددی شرکت کردم. اما عامل اصلی، اولین کنگره‌ای بود که در آن شرکت کردم و مقام آوردم، وقتی جایزه گرفتم؛ احساس می کردم یک شاعر رسمی هستم. چون در یک کنگره معتبر، شعرم برگزیده شده بود.

آیا شعر آیینی قابلیت ترجمه به زبان‌های دیگر و شناساندن معارف شیعی به جهانیان را دارا است؟

شعرهای آیینی که هم اکنون با آن‌ها روبه رو هستیم بدون تردید قابل ترجمه‌اند اما در این مسئله که آیا این اشعار قابلیت این را دارند که معرفت شیعی را به جهانیان معرفی کنند تردید دارم چون این اشعار اکثرا آمیخته با داستان‌ها و تلمیحاتی از زندگی اهل بیت است که اگر هم ترجمه شود نیاز به پاورقی هایی دارد که آن‌ها هم باید ترجمه شوند. برای مثال اشعار استاد سازگار اشعار پُر محتوایی است که مصرع به مصرع آکنده از احادیث و روایات است اما تصور کنید این اشعار بدون توضیح برای فردی ترجمه شود که او حتی خاندان وحی را به خوبی نمی‌شناسد پس از زیبایی آن لذت نمی برد البته بگذریم از این مطلب که بی تردید نام اهل بیت نور است و اثر وضعی دارد. گمان می کنم اگر قرار شد چنین اتفاق مبارکی بیفتد و اشعار آیینی ترجمه شود باید در کنار آن داستان‌های مرتبط با آن مضامین نیز ترجمه شود تا رفته رفته اثر خود را بگذارد. البته باید عرض کنم این موضوع درباره اشعار آیینی صدق می کند که صرفا به مدح و مرثیه اهل بیت می پردازد و الا شعر آیینی دایره وسیع‌تری دارد که سخن گفتن درباره آن در این مجال نمی گنجد.

نقش هیئات در پرورش استعدادهای ادبی را چقدر می‌دانید؟

پیش از این هم در نشریات دیگر درباره این موضوع مفصل‌تر صحبت کرده‌ام. معتقدم از آن جا که مستمع بزرگ شده در این مجالس سال‌های سال در هیئت تمام مدت از زبان مداح شعر می‌شنود و سعی می کند برای دریافت مفهوم ابیات تمرکز کند و در قسمت‌هایی از سینه‌زنی و نوحه‌خوانی ناگزیر است به پاسخ دادن و حفظ کردن بعضی از ابیات، رفته رفته ارتباط دوستانه‌ای را با شعر برقرار می کند و ناخودآگاه با عروض و قافیه به صورت سماعی آشنا می‌شود و از طرفی چون شعر ارتباط مستقیم با احساس و عاطفه و اشک دارد و هیچ جایی در عالم به اندازه هیئت‌ها و حسینیه‌ها لبریز از این زیبایی‌ها نیست مستمع ناگهان چشم‌وا می کند و خود را شاعر می بیند. یعنی در مجلس امام حسین (ع) همه چیز دست به دست هم داده است تا ما شاعر شویم. شک نکنید همه هیئتی‌ها شاعرند؛ منتها باید خودشان بخواهند.

حضور شاعر در مجالس مذهبی و نفس کشیدن در فضای هیئت، چقدر تاثیر دارد؟

این حضور برای خود شاعر ضروری است و قطعا در شعر او مؤثر خواهد بود. علاوه بر این شاعر به چند ویژگی مهم دست می‌یابد: اول این که تمام مطالبی که در پاسخ به سوال قبل عرض کردم در جان شاعر زنده و پویا خواهد بود به اضافه حال معنوی که سرمایه شاعر است. دوم این که معتقدم شاعر هیئتی باید با روان شناسی هیئت خیلی به‌روز آشنا باشد و از آن فاصله نگیرد و سوم شاعران خوب می‌دانند که خاستگاه مضامین ناب نهفته در تاریکی پر از روشنایی هیئت است.

وقتی شعرتان در محافل مذهبی خوانده می‌شود و با عکس‌العمل مردم مواجه می‌شوید، چه حسی به شما دست می‌دهد؟

اولین باری که مداحی شعرم را می‌خواند، آن روز بیست و دو سال داشتم و نمی‌دانم چرا اما تمام بدنم می لرزید و در آن تاریکی احساس می کردم همه مرا نگاه می کنند. احساس می کردم همه می دانند این شعر من است!

تاثیر گذارترین کتابی که در طول زندگی‌تان مطالعه کردید چیست (چه از لحاظ ادبی و چه از لحاظ معرفتی)؟

تاثیر گذارترین نهج البلاغه بود که البته به دلیل کوچک بودن ظرف وجودی من نتوانستم آن طور که باید از این کتاب الهی تاثیر بپذیرم.

از محضر چه اساتیدی بهره برده‌اید؟

ابتدا وزن و قافیه را از دوستان خوبم سید محمد جواد شرافت، سید محمد بابامیری و سید مهدی حسینی یاد گرفتم. تا الان هم توفیق حضور در محضر استاد محمد علی مجاهدی را داشته‌ام. ان شاءا... که سلب توفیق نشود! من استاد قیصر امین‌پور را فقط یک بار در نمایشگاه کتاب دیدم. حتی سلام و علیک هم با هم نکردیم. ولی من معتقدم خیلی از شعرهایی که تا الان گفتم تحت تأثیر شعرهای قیصر امین‌پور بوده است و مطمئناً از زبان شعری ایشان و آرایه‌های ادبی که به وفور هم در کارهای استاد دیده می‌شود؛ استفاده کرده‌ام. من همیشه سعی می کنم ریزبینی و روح شاعرانه امین‌پور را در کارهایم داشته باشم. همچنین شور و هیجان و حماسه استاد مجاهدی و مرثیه علی انسانی را. شاعری موفق است که ویژگی‌های شاخص شاعران را در خود جمع کند.

و در پایان یکی از اشعارتان برای امام رضا(ع) ؟

میان این همه غوغا، میان صحن و سرایت
بگو که می رسد آیا صدای من به صدایت؟
منی که باز برآنم که دعبلانه برایت
غزل ترانه بخوانم در آرزوی عبایت
من و عبای شما؟ نه من از خودم گله دارم
من از خودم که شمایی چقدر فاصله دارم
هنوز شعر نگفته توقع صله دارم
منی که شعر نگفتم مگر به لطف دعایت
چقدر خوب شد آری، نگاهتان به من افتاد
همان دقیقه که چشمم درست کنج گهر شاد
بدون وقفه به باران امان گریه نمی داد
هزار تکه شد این من به لطف آینه هایت
چنان که باید و شاید غزل غزل نشدم مست
که دست من به ضریحت در این سفر نرسیده است
من این نگاه عوامانه را نمی دهم از دست
اجازه هست بیفتم شبیه سایه به پایت؟
دوباره اشک خداحافظی رسیده به دامن
دوباره لحظه تردید بین ماندن و رفتن
و باز مثل همیشه در آستانه در من
کبوتر انه زمینگیر می شوم به هوایت
***
سکوت کرده دوباره جهان برای من و تو
نبود و نیست صدایی به جز صدای من و تو
و می روم به امید دوباره های من و تو
میان این همه غوغا میان صحن و سرایت

سید حمیدرضا برقعی

چند شعر برای امام رضا(ع)

این عشق مثل باد صبا منتشر شده است
این آفتاب در همه جا منتشر شده است
مثل کبوتران حرم، سایه شما
در بیت، بیت دفتر ما منتشر شده است
این آفتاب شعله‌زده، سمت آسمان
این آفتاب تا به کجا منتشر شده است
آیینه‌های این حرم از عشق ما پر است
این آفتاب در همه جا منتشر شده است
در این حرم برای همیشه دعای ما
در انعکاس آینه‌ها منتشر شده است
حالا هزار اشک، هزاران دعا و بغض
دور ضریح پاک شما منتشر شده است

حسین ابراهیمی

***
برای سرودنت
به شرقی‌ترین نگاه تو گره می‌خورم
یک آسمان سبز می‌شود
و یک زمین که قرن‌هاست گرم نگاه توست
کلمات، مغرور گفتن از تو می‌شوند
و استعاره‌های دستچین، طلایی طلایی می‌درخشند
رنگ‌های سفید و آبی را ترکیب می‌کنم
و بال و آسمان را هم
دفتر خاطرات ضریحت
پر است از سوال و جواب‌های بی‌شمار
و من این همه را در کدامین توسل اندازه بگیرم
و من این همه را در راز کدامین گره محکم کنم
و من این همه را در کدامین استعاذه بگریم
برای سرودنت اما
رضایت تو کافی است...

مینا اروجلو

***
گاه گاهی می‌شود دلتنگی از حد بگذرد
سیل افکاری که از ذهنت نیاید، بگذرد
بغض راه گریه را می‌بندد و دریای اشک-
پافشاری می‌کند از آخرین سد بگذرد
با خودت در گوشه‌ای از خانه خلوت می‌کنی
تا مگر این لحظه‌های تلخِ ممتد بگذرد
کوچه‌ها دلتنگی‌ات را صَد برابر می‌کنند
گرچه گاهی اتفاقی هم بیفتد، بگذرد
ناگهان در خواب می‌بینی سواری سبزپوش-
با اناری سرخ در دستش می‌آید بگذرد
با تبسم‌های معصومانه می‌گوید بیا-
یک شبی مهمان ما هر چند که بد بگذرد
چاره‌ای دیگر نمی‌ماند به جز تسلیم محض
کیست که از دعوت اولاد احمد(س) بگذرد
ترس داری پلک‌ها را روی هم بگذاری و
خواب باشی و قطار از شهر مشهد بگذرد
شرمنده‌ام که همت آهو نداشتم
شصت و سه سال راه به این سو نداشتم
اقرار می‌کنم که من -این های و هوی گنگ-
ها داشتم همیشه ولی هو نداشتم
جسمی معطر از نفسی گاه داشتم
روحی به هیچ رایحه خوشبو نداشتم
فانوس بخت گم‌شدگان همیشه‌ام
حتی برای دیدن خود سو نداشتم
وایا به من که با همه همزبانی‌ام
در خانواده نیز دعاگو نداشتم
شعرم صراحتی است دل‌آزار، راستش
راهی به این زمانه نُه تو نداشتم
نیشم همیشه بیشتر از نوش بوده است
باور نمی‌کنید که کندو نداشتم؟!
می‌شد که بندگی کنم و زندگی کنم
اما من اعتقاد به تابو نداشتم
آقا شما که از همه کس باخبرترید
من جز سری نهاده به زانو نداشتم
خوانده و یا نخوانده به پابوس آمدم؟
دیگر سوال دیگری از او نداشتم

محمدعلی بهمنی

***
بلیت ماندن است مانده روی دست‌های من
در این همه مسافر حرم نبود جای من؟
رفیق عازم سفر، فقط «سلام» را ببر
سفارش مریض حضرت امام را ببر
«سلام نسخه» را ببر ببین دوا نمی‌دهد؟
از او بپرس این مریض را شفا نمی‌دهد؟
چقدر بادهای دوری‌ات مچاله‌اش کنند
و دوستان به روزهای خوش حواله‌اش کنند
درست بیست سال شد که راه توس بسته است
جوان دل شکسته دل به پایبوس بسته است
پدر به کربلا و مکه رفته است چند بار
و من هنوز در هوای مشهد تو بیقرار
مرا طلای گنبد تو بیقرار می‌کند
کسی مرا به دوش ابرها سوار می‌کند
هزار تا غروب در مسیر ایستاده‌ام
به هر که آمده به پابوس نامه داده‌ام
من از کبوتران گنبد تو کمترم مگر
که بعد سال‌ها نخوانده‌ای مرا به این سفر؟
قطارهای عازم شمال شرق می‌روند
دقیقه‌های بی‌تو مثل باد و برق می‌روند
کسی بلیت رفتنی به دست من نمی‌دهد
به آرزوی یک جوان خم تن نمی‌دهد
بلیت ماندن است مانده روی دست‌های من
در این همه مسافر حرم نبود جای من؟!

مهدی فرجی

عبدالحسین انصاری

بررسی محتوایی، ساختاری و تاریخچه شعر آیینی

تأملی بر شعر آیینی

شعر مذهبی یا «شعر آیینی» که در دهه اخیر مرسوم شده است از گذشته در ادبیات حضور داشته و همچنان این حضور امتداد دارد که مهم‌ترین بخش آن از لحاظ محتوایی، مدح آل ا... و ستایش بزرگواری ها و جایگاه ایشان است ولی لحن شاعران و نوع برخورد آن ها با این نوع از شعر در گذشته و حال تفاوت هایی دارد؛ ممدوحی که در اشعار آیینی معاصران دیده می شود بسیار قابل دسترس‌تر و نزدیک‌تر به انسان امروزی است تا ممدوحی که در اشعار سده های اخیر است. شعر آیینی، ناخودآگاه در بخشی از ذهن یک شاعر شیعی جولان می دهد و در کارنامه اغلب شاعران، آثاری هر چند معدود در این عرصه مشاهده می‌شود. در ادامه به بررسی و تاریخچه شعر آیینی پرداخته‌ایم که در ادامه می خوانید.

■ **تعریف شعر آیینی**

هر مقوله شعری که صبغه دینی داشته باشد و متأثر از آموزه های اسلامی باشد، در قلمروی شعر آیینی قرار می گیرد.

به طور کلی تنها مسئله ای که شعر آیینی را از دیگر انواع شعر مجزا می کند، قلمروی موضوعی آن است. برخلاف بسیاری از صاحب نظران که شعر مذهبی را موضوعاً، به دو مقوله کلی منقبت و مرثیه محدود می دانند، آثار اخلاقی و عرفانی چون خمسه نظامی و دیگر متون نظم عرفانی و تعلیمی، و نیز آثار غزل سرایان بزرگی چون حافظ، سرشار از رهنمودهای قرآنی و مفاهیم دینی و مقوله های ارزشی روایی بوده و بیانگر تأثیرپذیری فراوان آنان از متون دینی است.

در واقع اگر نگاه خود را صرفاً به دو قلمروی موضوعی منقبت و مرثیه شعر آیینی معطوف بداریم، ارائه طریق درباره آثار منظوم توحیدی، نیایشی، عرفانی، اخلاقی و تعلیمی در گستره شعر فارسی نامشخص باقی خواهد ماند.

از منظر و گستره ای که می توان به حیطه شعر آیینی نگریست، اغلب آثار فاخر و ماندگار شعر فارسی، صبغه آیینی دارد و در قلمروی شعر آیینی قرار می گیرد.

■ **تقسیم بندی شعر آیینی**

بنا بر تعریفی که از شعر آیینی و گستره آن ارائه شد، ما با سه قلمروی موضوعی مشخص و قابل تعریف روبه رو هستیم و از این رو می توانیم تقسیم بندی موضوعی زیر را از شعر آیینی به دست آوریم:

۱- شعر توحیدی، نیایشی و عرفانی.

۲- شعر اخلاقی و پندی، اجتماعی، مقاومت، بیداری و دفاع مقدس: در گونه دوم، شاعر به رهایی انسان از اسارت دشمنان درونی، یعنی شیطان و نفس و هواهای نفسانی و نیز رهایی انسان از بند دشمنان بیرونی، مانند قدرت های سلطه گر و خودکامه و استعماری می پردازد و به کار بستن آن هاست که انسان به رهایی می رسد و از آن جا که دست او را می گیرد و از خاک به افلاک می کشاند، در مقوله ماورایی به شمار می آید.

۳- شعر ولایی: شعر ولایی به لحاظ موضوعی، اختصاص به خاندان عترت و طهارت دارد و سخنان، سیره اخلاقی و فضای وجودی آنان در «شعر ولایی» بازتاب درخوری پیدا می کند. برای شعر ولایی می توان زیرمجموعه هایی در نظر گرفت، که مهم‌ترین آن ها عبارتند از: شعر نبوی، شعر علوی، شعر فاطمی، شعر عاشورایی، شعر رضوی و شعر مهدوی. با بررسی آثار برجامانده از موضوعات یاد شده، درخواهیم یافت که مقوله مرثیه در تمامی زیرمجموعه های شعر ولایی به جز شعر مهدوی حضور دارد و مقوله منقبت در همه آن ها ساری و جاری است.

■ **فرم و ساختار شعر آیینی**

فرم و ساختار (قالب) موضوعات آیینی در سروده های کهن، اغلب در چارچوب مثنوی، قطعه، ترکیب بند و ترجیع بند است و به کمتر سروده ای برمی خوریم که در قالب غزل باشد. این در حالی است که در شعر معاصر، علاوه بر بهره مندی شاعران از قالب های نو «نیمایی، سپید و...» قالب غزل نیز مفاهیم شعر آیینی فارسی را شامل می شود. رباعی، مثنوی و غزل- مثنوی نیز از دیگر قالب هایی است که شاعران معاصر در سروده های آیینی خود از آن استفاده می کنند، عمده‌ترین عامل در بهره مندی از قالب های یاد شده و به نوعی تنوع قالب در شعر آیینی معاصر، فراهم شدن بستری درخور برای به کارگیری موضوعات و گاه مفاهیم متنوع در گستره شعر آیینی است.

■ **مضامین و محتوای شعر آیینی**

فضای موجود در مضامین و محتوای شعر آیینی نیز از آغاز تا دوره معاصر، سیر بالنده ای را طی کرد و این رشد در روزگار ما در حال تکوین است. با بررسی شواهد موجود در آثار آیینی فارسی، دو صورت متفاوت در فضا و نگرش شاعران به چگونگی مبحث منقبت و مرثیه ائمه اطهار(ع) را شاهدیم:

نوع اول: پرداختن به منقبت و مدح و گاه مرثیه ائمه اطهار(ع) و پیشوایان دین، با نفوذ خاص دریافت های شخصی شاعر است. در این آثار، زمانی که از منظور مدح و منقبت به سیره پیشوایان دین پرداخته می شود، با اندیشه ای نه چندان بارور و درخورِ مقام و مرتبه این بزرگان سخن به میان می آید، مگر در مواردی که آثار تعداد محدودی از شاعران با فرازهایی همراه است؛ مانند نعت پیامبر اکرم(ص) در خمسه نظامی و یا سروده های مولانا در مثنوی کبیر.

نوع دوم: شعر آیینی در دوره معاصر، علاوه بر بهره مندی از متعلقات گسترده و متنوعی مانند؛ شهادت، دفاع مقدس، فرهنگ عاشورا و... در سروده هایی که به نوعی در منقبت و مرثیه ائمه اطهار و دیگر بزرگان مذهب بر جای مانده است، شاعر به شکوه و حماسه آفرینی آنان و هدفمند بودن شهادت طلبی و آرمان های آنان اشارات خاصی داشته و بیشتر به این ابعاد پرداخته است تا سوگ صِرف و مرثیه اندوه بار.

■ **سیر تاریخی و ویژگی نخستین اشعار آیینی فارسی**

با نگاهی به تاریخ ادبیات مذهبی در ایران، این نکته به خوبی دریافت می شود که ادبیات به ویژه شعر مذهبی از روزگار دور در ارتباط با چگونگی حکومت ها بوده است. تا قبل از دوره صفویه، به طور کلی گرایش به شعر مذهبی و سرودن در موضوعات مذهبی بسیار کم بود و آن چه از آثار آن دوره در قالب شعر مذهبی باقی است، بیشتر نعت پیامبر اکرم(ص)، حضرت علی(ع) و دیگر یارانِ پیامبر و در مواردی نیز یاد کرد قیام عاشورا است، و عمدتاً به موضوعات دیگر نپرداخته اند.

در دوره صفویه به دلیل عنایت خاص پادشاهان صفوی به مذهب تشیّع، به شعر مذهبی در ادبیات توجه بیشتری شد. شاعر برجسته مذهبی سرای پس از صفویه، محتشم کاشانی بود. روند مذهبی سرایی همچنان تا قبل از روی کار آمدن نادرشاه در ایران ادامه داشت. با روی کار آمدن حکومت زندیه، اقبال به سرودن شعر مذهبی از سر گرفته شد و کم کم از روزگار مشروطه به بعد پایگاه قدرتمندی نزد شاعران و علاقه مندان پیدا کرد و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به جریانی پویا و قوی در صحنه ادبیات مطرح شد. البته فراز و نشیب های یاد شده در ساختار شعر مذهبی باعث ایجاد تحول محتوایی شعر آیینی فارسی نشد. چرا که در دوره صفویه و پس از آن هیچ نهضت اصلاح گری شکل نگرفت تا به احیا و بازنگری باورهای مردمی بپردازد. در این عرصه متأسفانه کسی پیدا نشد که بسیاری از باورهایی را که رهاورد سیاست عباسیان بود، به نقادی فراخواند. بسیاری از ناروایی ها را که خود را در ذهن و زبان مردم ادامه داد و بازتاب این باورها را در متن شعر امروز نیز می توان به وضوح دید. تغییر نگرش شاعران در شعر مذهبی، از حالت شخصی به اجتماعی و گستردگی اندیشه، در شعر دوره مشروطه صورت گرفت. شعر مذهبی به عنوان موضوع انتخاب شد و شاعران معتقد و مذهبی از آن به عنوان حربه ای در برابر شاعران به اصطلاح روشنفکر استفاده کردند. رویکرد دوباره به شعر آیینی ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع حاکمیت مذهبی بر مردم و طرح جامعه شیعی به عنوان بزرگ‌ترین تحول در جغرافیای اندیشه و سیاست اجتماعی، باعث ایجاد تحولاتی درخور در ادبیات ایران و طرح و اثبات ادبیات آیینی شد. متأثر از تحولات یاد شده، تحولاتی در قلمروی شعر آیینی ایجاد شد، که مهم‌ترین آن تعمیق آگاهی در شعر آیینی معاصر است. پیش از آن پرداختن به هر مضمونی (چه والا و ارزشمدار و چه نازل و بی مقدار) در گستره شعر مذهبی مسبوق به سابقه بود، نمونه های آن را در لابه لای کارنامه شعر مذهبی ایران می توان پیدا کرد. بسیاری از شاعران مذهبی سرا به جای کمک به بالا رفتن سطح درک مردم، به همراهی و همنوایی با آنان می پرداختند. در واقع به جای این که مردم دنباله روی اندیشه و برداشت های شاعران در افق های معنایی تازه باشند، بعضی از شاعران، دنباله روی تفکر مردم بودند. اما این شیوه دیری نپایید که حال مضمون پردازی در شعر مذهبی، در قالب های محتوایی شایسته تر و ماندگارتری تغییر یافت.

حضور شخصیت های مطرح انقلابی چون: شهید مرتضی مطهری، دکتر علی شریعتی و... که در ارائه دانش و بینش مذهبی به جامعه، با سخنرانی و کتاب هایی ارزنده، در پیرایش تاریخی مسائل دینی قدم های ارزنده ای برداشتند و توانستند تا حدودی از این طریق بدعت ها و ناروایی هایی را که بر تاریخ اسلام گذشته بود، بزدایند؛ عامل مؤثری در ایجاد فضای مناسب برای ظهور و پیدایش ادبیات انقلابی و مذهبی به شمار می آید. بدین طریق تلاش های انجام شده، مورد توجه و بهره مندی شاعران آیینی معاصر قرار گرفت و کم کم جریانی اصلاح گرا و سالم، در حوزه شعر آیینی شکل گرفت؛ که از یک سو سعی در احیای شخصیت های تحریف شده دینی کردند و از سوی دیگر در ارائه بینش صحیح به جامعه و تغییر ساختار فکری در حیطه ادبیات فارسی، گام برداشتند. نتیجه نگرش تاریخی صحیح به واژه ها و همراهی با اصالت و هویت مندی آن ها، در کنار پروراندن اندیشه در پس بهره مندی از هر عنصر مذهبی، شعر را از حالت روایی و تک زمانی بودن به عرصه ادب فرازمانی سوق داد و در آثار شاعران آیینی فرازهایی ژرف و ماندگار پدید آورد.

منبع مقاله: محدثی خراسانی، زهرا؛ (۱۳۸۸)، شعر آیینی و تاثیر انقلاب اسلامی بر آن، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا

دفتر مرکزی پذیرش آگهی خراسان
حوزه تخصصی گردشگری
ارتباط با ما در تلگرام: @turismadvkhorasan
انتقادات، پیشنهادات: ۰۹۱۵۰۸۰۲۰۸۵ ، ۰۹۳۵ ۳۹۶ ۲۹۹۶
پذیرش آگهی: (صفحات سراسری) ۰۵۱-۳۸ ۴۷ ۷۲ ۷۷-۹ ، ۰۹۱۵ ۳۸۱ ۷۶ ۰۶
پذیرش آگهی: (صفحه نیازمندی ها) ۰۵۱-۳۸ ۳۳ ۱۳ ۶۰-۳